

۶

صاحب قدیمی ترین
قصابی محله مهرآباد
می گوید دست پر رفتن
مشتری از زرق و برق
مغازه مهم تر است

**جنس قصابی باید
جور باشد**



۷

کمبود امکانات، سد راه استعدادها

۸

اینجا جای بیمارستان خالی است

سرانگشتان فضل احمد رستمی، دوتار نواز محله شهید بسکابادی که تجربه حضور در جشنواره‌های مختلف موسیقی را دارد از کار اجرایی ترک برداشته است

سیم ماین زخم‌ها

۵۶۴

زمین های بایر و املاک رها شده محله ثامن می تواند تبدیل به فرصت شود

اینجا جای بیمارستان خالی است



محمد عطائی | محلات منطقه ۵ خصوصیات خاص خود را دارند. ویژگی هایی که اکثر اهل هم تهدید و فرصت هستند. محله ثامن جنب بزرگراه شهید با نظر و بولوار مفتوح شرقی قرار دارد و اصلی ترین خصوصیت آن وجود زمین های بایر بسیار است. قسمت بزرگی از این زمین ها موقوفه است و قسمت دیگر هم مالکان حقیقی دارد. در این سال ها، نه زمین های موقوفه تعیین تکلیف شده و نه زمین های مالک شخصی به سمت ساخت و ساز رفته اند. حاصل این وضعیت بلا تکلیف فقط گرد و خاک، ناامنی و عبور و مرور دشوار هم محلی هاست. به تازگی هم جای مشکلی قدیمی را - که حل شده بود - مشکل جدیدی گرفته است. زمین جمعه بازار قدیم مشهد که با پیگیری فراوان به محدوده دیگری منتقل شد حالا گاراژ و پارکینگ خودروهای سنگین شده است.

● زمین های بایر پاتوق قمار بازی

ابتدا سراغ حسن بهشتی نیک، رئیس شورای اجتماعی محله ثامن و امام جماعت مسجد النبی (ص) در خیابان آرمون می روم. بهشتی نیک سال هاست که پیگیر تعیین تکلیف و تغییر وضعیت این املاک از زمین های بایر فعلی به زمین های سامان یافته شهری است. او می گوید: «این زمین ها باعث اذیت و آزار مردم است. مردم محله از این وضعیت بی نهایت ناراحت هستند. این زمین ها گرد و خاک دارند، محل استعمال مواد مخدر، بازی و قمار شده اند.»

● حکایت همچنان باقی است

در زمانی که جمعه بازار در این محله قرار داشت شهرآرا محله بارها گزارشی از وضعیت آن و مشکلاتش تهیه کرده بود. حالا این بازار به انتهای بولوار پنجنتن و خارج محدوده شهری منتقل شده اما باز هم این زمین برای ساکنان مشکل ساز است. محسن عربی از ساکنان قدیمی محله در این باره می گوید: «محدوده جمعه بازار قدیم و زمین دیگری که موقوفه آستان قدس است بین خیابان های عبادت و محور قرار دارد و برای همسایه هایش دردسرساز شده است. اینجا توفنگاه خودروهای سنگین شده است و خودتان می دانید که در سایه این فضای پارکینگ خرید و فروش مواد مخدر و بعضا اعمال خلاف عرف و شرع هم اتفاق می افتد.»

● زمینی که می تواند بیمارستان شود

سال ۹۷ گزارش محوری شماره ۱ از شهرآرا محله به موضوع معضلات جمعه بازار اختصاص یافت و ضمن آن پیشنهاد ساخت بیمارستان از طریق تها تر این زمین با ملک کنار بیمارستان منتصریه متعلق به دانشگاه علوم پزشکی مشهد داده شد که اثری نداشت و پیگیری نشد. حالا باز هم اهالی از وضعیت این زمین و کمبود مراکز درمانی و بهداشتی در محله می گویند. هر چند این سوی بزرگراه در کل بیمارستان ندارد. بهشتی نیک هم می گوید: «زمین جمعه بازار تا جایی که می دانم در گذشته کاربری بهداشتی درمانی داشت. این محله نه بیمارستان دارد نه حتی درمانگاه مجهزی. حالا که کمبود بیمارستان در این منطقه و منطقه ۶ احساس می شود چرا در این مکان بیمارستانی ساخته نشود؟ بولوار مفتوح شرقی مسیر اصلی به سمت سرخس، شهرک رضویه و ۱۸۰ روستای آقماری است. ساخت بیمارستان در این محدوده حیاتی است تا جان بیماران اورژانسی حفظ شود.»

● ناامنی و بلا تکلیفی محله

جد از زمین های موقوفه، تعدادی زمین بایر با مالکیت شخصی هم وجود دارد که متعلق به چند نفر است. زمین هایی که از محله مهرآباد تا بولوار پنجنتن منطقه ۴ ادامه دارند. بهشتی نیک می گوید: «اگر مردم وقت داشتند و می توانستند وقت بگذارند اعتراض کنند تا الان این زمین ها تعیین تکلیف شده بود.» زورگیری در حد فاصل زمین های بایر و زمین های مسکونی محله زیاد است. گرد و خاک و وجود حشرات موذی ناشی از این زمین ها هم دردسر کمی نیست. رئیس شورای اجتماعی محله می گوید: «مردم این محدوده دنبال یک لقمه نان برای زن و بچه شان هستند و نمی توانند در اداره ها پیگیر حقتشان باشند. مسئولان خودشان به فکر باشند و این مردم را فراموش نکنند.»

زمین رها - گرد و خاک - محله - ثامن

منطقه

اهالی محله امیرآباد از فضا سازی نامناسب در میدان ها و بولوارها گلّه مند هستند

زندگی در محیط خشک و خالی



سحر نیکو عقیده در ست در مرکز محله قرار دارد اما خبری از گل آرایبی، المان و... در آن نیست. میدان بصیرت یک میدان سنگ فرش خشک و خالی است که حالا چند سالی می شود که در مرکز و میانه خیابان امیرآباد ساخته شده است. اهالی همان ابتدا به این موضوع اعتراض می کنند اما راه به جایی نمی برند. البته این میدان فقط یک نمونه است. با ساکنان آن گفت و گومی کنم آن ها از فضاهای نازیبا و دیگری هم در محله امیرآباد نام می برند.

● ما سهمی از زیبایی نداریم

محمد فهیم، عضو شورای اجتماعی محله امیرآباد که بارها این مشکل را به گوش مسئولان مختلف شهری رسانده است می گوید: محله زیبا تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی اهالی آن دارد. اما ساکنان محله ما سهمی از این زیبایی نداشته اند. ما هر روز که از این خیابان عبور می کنیم این میدان نازیبا را در مرکز محله می بینیم. از همان ابتدای ساخت میدان به این موضوع اعتراض کردیم اما به ما گفتند که به دلیل وجود کال امیرآباد در زیر میدان امکان کاشت گیاه وجود ندارد. چرا که این گیاه هر شش ماه می دوانند و کال را مسدود می کنند. ما پیشنهاد جانمایی المان را دادیم. بهار امسال ۲ المان گل را در وسط میدان قرار دادند اما به محض تمام شدن تعطیلات نوروزی، المان ها را برداشتند! دست آخر با کلی درخواست راضی شدن نیک پرچم وسط میدان بگذارند.

● بولوار بی آب و علف

اما این تنها مشکل ساکنان این محله نیست. معصومه کرامی که ۱۰ سال از سکونتش در این محله می گذرد از نبود فضای آرایبی بولوار بصیرت می گوید. به حاشیه خاکی و بی آب و علف بولوار اشاره می کند و می گوید: هر بار که به این موضوع اعتراض کردیم بهانه ای آوردند. یکبار گفتند حاشیه بولوار پر از درخت کاج است و کاج اسید تولید می کند و برای گل ها ضرر دارد. پیشنهاد دادیم لافل چمن بکارند اما بهانه آبیاری آوردند با اینکه در این بولوار شیر آب مخصوص آبیاری وجود دارد. او در ادامه از نبود برق در میدان بصیرت هم می گوید. موضوعی که پیگیر آن هم بوده اند اما نتیجه ای نگرفته اند.

● رایزنی برای تملک زمین

معاون فنی و اجرایی منطقه ۶ شهرداری مشهد ابتدا توضیح می دهد که پیش از این ۲ بسته گل در میدان بصیرت برای زیباسازی قرار گرفته بوده اما هم آبیاری آن ها سخت بود و هم خطر سرقتشان وجود داشت. امکان گل کاری هم وجود ندارد چرا که در زیر پل کال امیرآباد وجود دارد و ممکن است مسدود شود و مشکلات دیگری به وجود بیاورد. حالا هم یک میله پرچم وسط میدان قرار گرفته اما آنچنان که باید در زیبایی و فضای آرایبی تأثیری نداشته و نتوانسته رضایت ساکنان را جلب کند.

احسان نجاری مقدم اقدامات و برنامه های پیش رو در باره زیباسازی این میدان را توضیح می دهد: میدان بصیرت و زمین های اطراف در محله امیرآباد تحت تملک آستان قدس رضوی قرار دارد و ابتدا باید زمین به تملک شهرداری در بیاید تا بتوان برای آن کاری انجام داد. ساختار آن را به کل تغییر داد و آن را تکمیل کرد. برای تملک زمین هم بارها با آستان قدس وارد مذاکره شده ایم. تا چند ماه قبل به تملک خوش بین بودیم اما اخیراً نتایج مذاکرات چندان مثبت نبوده است. با وجود این همچنان در حال رایزنی هستیم.

#بولوار بصیرت #فضا آرایبی #میدان خالی

منطقه ۵

شست و شوی در ختان

رئیس اداره فضای سبز منطقه ۵ از شست و شوی بیش از ۸۸۰ اصله از درختان سوزنی برگ منطقه خبر داد. رضا امانیان بیان کرد: باتوجه به گرم شدن هوا کاهش رطوبت محیط و شیوع ریزگرد ها تعادل بین جذب آب توسط ریشه و دفع آن توسط برگ ها برهم خورده است. وی افزود: در این اقدام بیش از ۸۸۰ اصله از درختان سوزنی برگ برای بهبود وضعیت سبزیبگی و حفظ طراوت شست و شوی شدند.

زکات هم جواری

اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۵ در دهه ولایت برنامه زکات هم جواری را اجرا کردند. گام اول خیرخواهی را مسجد دینور و خیران و اعضای شورای اجتماعی محله مهدی آباد داشتند و ۵۰ بسته معیشتی را به یارکبانان محله ۱۵۰ بسته گوشت گرم ابار عایت موارد بهداشتی به دست افراد آسیب پذیر رساندند. مسجد صاحب الزمان (عج) و خیران محله امیر المؤمنین (ع) نیز ۱۰۰ بسته گوشت را بین اقشار آسیب پذیر توزیع کردند.

مسابقه حکمت های نهج البلاغه

به مناسبت دهه ولایت مسابقه حکمت های نهج البلاغه برای عموم شهروندان برگزار می شود. این مسابقه را اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه، شورای اجتماعی محلات و پایگاه بسیج شهید فعال صنعتی برگزار می کند. علاقه مندان می توانند با شماره ۰۵۱۳۱۲۹۴۲۴۳ تماس گرفته و سؤال ها را دریافت کنند و پاسخ پرسش ها را تا ۶ مرداد به سامانه ۰۴۵۰۰۴۴۵۰۰۴ پیامک کنند.

قربانی گوسفند در «رضائیه»

هم زمان با عید قربان ۱۸ رأس گوسفند در محله رضائیه قربانی شد. این گوسفندان با کمک نیکوکاران در حسینیه شهیدای رضائیه تهیه و ذبح و در چندین نقطه از شهر مشهد بین نیازمندان توزیع شد. در همین روز هیئت مذهبی محله از اول بولوار امیر المؤمنین (ع) بادسته گل به پایوسی امام رضا (ع) رفتند. همچنین جشن خیابانی و ایستگاه صلواتی در ابتدای خیابان وحدت ۱۲ برگزار می شود.

منطقه ۶

افزایش مسیر سبز

معاون فنی و اجرایی منطقه ۶ از طراحی و جانمایی ۱۵۰۰ متر مربع مسیر سبز برای دو چرخه سواران در منطقه خبر داد. احسان نجاری مقدم افزود: در ۳ ماه ابتدای سال در حوزه حمل و نقل علاوه بر طراحی مسیر ویژه دو چرخه سواری، ۵۰ محل سرعناکه در نظر گرفته ایم. همچنین ۵۰ متر مربع به شکل طولی خط کشی محوری معبر سواره و نایجاد شد. او گفت: ۱۵۰۰ متر مربع خط کشی عرضی در محله های مختلف منطقه اجرا شد.

اجرای برنامه «به رسم مولا»

نشست خبری تشریح برنامه های بنیاد غدیر استان خراسان رضوی در دهه ولایت در فرهنگ سرای غدیر برگزار شد. در این نشست دبیر بنیاد غدیر گفت: در شب عید ولایت مراسم نورافشانی در ۷۰۰ نقطه از مشهد برگزار می شود و نیازمندان شناسایی شده حاشیه شهر اطعام علوی می شوند. حجت الاسلام والمسلمین سعید آخوندی افزود: در این ایام برنامه «به رسم مولا» را که طی آن ۱۱۰ زندانی آزاد می شوند اجرا می کنیم.

سامان دهی «اردیبهشت»

شهردار منطقه ۶ گفت: معضلات بوستان اردیبهشت سامان دهی می شود. سید علی حسین پور با اشاره به اینکه این بوستان در انتهای خیابان مهریز است افزود: برخی شهروندان علاوه بر معضل ورود موتور سواران به بوستان، از نبود سرویس بهداشتی و نداشتن سطل زباله و نبود نور کافی و... در آن گله مند هستند. درباره نواقص این بوستان اخیرا با پیمانکار آن نشستیم داشتیم که قرار شده این موارد به زودی برطرف شود.

پیشرفت عملیات بوستان بانوان نصرت

پروژه بوستان بانوان نصرت در مساحت حدود ۷ هزار متر مربع در بوستان نصرت واقع در حر ۲۰۲ در حال اجراست. عملیات اجرایی بوستان بانوان نصرت با هدف تقویت روحیه نشاط و نشاط آوری بانوان در محیطی امن، زمستان سال گذشته آغاز شد و تادی ماه امسال به بهره برداری خواهد رسید. این پروژه با اعتبار بیش از ۳۶ میلیارد ریال در حال اجراست و ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

مدیر دفتر توسعه محله های ثامن و امیر المؤمنین (ع) از روند اجرای طرح ها گفت بدون همکاری مردم به جایی نمی رسیم



عطائی با اواخره دفتر توسعه ۲ محله ثامن و امیر المؤمنین (ع) گلشهر افتتاح شد. گروه تسهیلاتگر که از چند ماه پیش شکل گرفته بود ماه گذشته به طور رسمی شروع به کار کرد. این ۲ محله از محلات دارای بافت فرسوده و کم برخوردار منطقه هستند. گفت و گو کردیم با مدیر دفتر توسعه این ۲ محله تا درباره جزئیات طرح ها توضیح دهد. کامران موسی خانی در ابتدا از سابقه فعالیت این دفتر گفت: از اسفند سال گذشته فرایند تحویل گرفتن و ایجاد دفتر محله در دست پیگیری بود. ارزیابی ها صورت گرفته و در نهایت کمیته انتخاب

سازمان باز آفرینی مسئولیت این دفتر را بر عهده گروه ما قرار داده است. در چند ماه گذشته هم ارتباط قوی با رئیس ناحیه ۲ و رئیس اداره فرهنگی شهرداری منطقه و کارکنان دیگر شهرداری برقرار بوده تا اطلاعات دقیق تر و سریع تر به دست گروه تسهیلاتگر برسد. سرانجام دفتر توسعه محله در تیر ماه افتتاح شد و ما از همان ابتدا با معتمدان و اعضای شورای اجتماعی ۲ محله ارتباط برقرار کردیم. علاوه بر آن تا به حال بازدیدهای میدانی متعددی انجام شده و اطلاعات مفیدی گردآوری شده است. همچنین با تعدادی از اهالی محلات مصاحبه هایی

انجام شده است. محلات ثامن و امیر المؤمنین (ع) در نقشه مصوب بافت های فرسوده و سکونتگاه های غیر رسمی شهرداری قرار دارند و جزو ۶۶ محله منتخب از ۱۷۰ محله شهر مشهد برای اجرای طرح های باز آفرینی هستند. محله امیر المؤمنین (ع) بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای مساحت ۱۱۸ هکتار سکونتگاه های غیر رسمی و بافت فرسوده است و محله ثامن نیز مساحت ۶۱ هکتار سکونتگاه های غیر رسمی و بافت فرسوده دارد. کامران موسی خانی بیان کرد: در حال حاضر دفتر توسعه گام بزرگی در راستای

اعتماد سازی برداشته است و از سوی دفتر تسهیلاتگری ۲ پروژه که هر کدام تا سقف ۵ میلیارد تومان اعتبار دارند برای ۲ محله به سازمان باز آفرینی پیشنهاد شده است. پروژه محله امیر المؤمنین (ع) مربوط به بهسازی پیاده رو و خیابان شفيعی از فلکه دوم گلشهر تا انتهای خیابان شفيعی و فرعی های آن است و برای محله ثامن نیز تجهیز و زیباسازی بوستان ثامن، رضوی و میدان جواد الائمه (ع) در نظر گرفته شده است. اگر مردم محلات با دفاتر توسعه همراهی نکنند، فعالیت دفاتر به هیچ جانی نمی رسد.



جشنواره مردمی روز خبرنگار

فرخوان جشنواره خبرنگار محله

رشته های اصلی:
 - خبر
 - مصاحبه
 - گزارش
 - یادداشت
 - عکس
 - طراحی و کاریکاتور

مسابقات و مقررات:
 - مسابقات: مقاله نویسی، مصاحبه، گزارش، عکس، کاریکاتور، طراحی و کاریکاتور.
 - شرایط شرکت: این جشنواره برای عموم شهروندان خراسان رضوی و مؤسسه فرهنگی شهرداری به برگزار می شود.
 - جوایز: در هر رشته مسابقات جوایز نقدی و غیر نقدی در نظر گرفته می شود.
 - مهلت ارسال آثار: آثار را می توان تا ۱۵ مرداد ماه ۱۴۰۰ ارسال کرد.
 - نحوه و مهلت ارسال آثار: آثار را می توان به آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، واحد ۱۳۳ ارسال کرد.
 - آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، واحد ۱۳۳.
 - تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸.
 - ایمیل: shahrarnews@gmail.com
 - وبسایت: shahrarnews.ir

نخستین جشنواره خبرنگار محله، در آستانه سالروز شهادت محمود صارمی و روز خبرنگار در مشهد کلید خورد. فرهنگ سرای فناوری و رسانه شهرداری مشهد با همکاری خانه مطبوعات و رسانه های استان خراسان رضوی و مؤسسه فرهنگی شهرداری به برگزاری نخستین جشنواره خبرنگار محله در مشهد اقدام کرد. معاون فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد افزود: علاقه مندان به شرکت در این جشنواره می توانند در حوزه های خبر، مصاحبه، گزارش، یادداشت، عکس و طراحی و کاریکاتور، آثار خود را به نشانی دبیرخانه فرهنگ سرای فناوری و رسانه یا کانال ارتباطی @ctm_resane در شبکه اجتماعی ایتا ارسال کنند. همچنین ضروری است همه آثار، تولیدی بوده و پیش از این در هیچ رسانه ای منتشر نشده باشد. به گفته اسماعیل زاده، زمان ارسال آثار تا ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ تعیین شده است و به برگزیدگان این جشنواره، جوایز نفیس نقدی و غیر نقدی تعلق می گیرد.



سرانگشتان فضل احمد رستمی، دو تار نواز محله شهید بسکابادی که تجربه حضور در جشنواره‌های مختلف موسیقی را در ادا کار آجرپزی ترک برداشته است

سیم‌مابین زخم‌ها

منطقه



سحر نیکو عقیده تف کوره آجرپزی، ملال قالب زدن هر روزه آجرها، دستان پینه بسته ستایش ۸ ساله، موهای کبره بسته و شانه نکرده کوثر، چهره تکیده پدر... خلاصه زندگی خانواده فضل احمد رستمی رامی توان در همین چند جمله کوتاه خلاصه کرد. خانواده‌ای که در میانه آشوب زندگی می‌کنند با وجود این اما همسایه ساده‌ترین خوشی‌ها هستند. این را وقتی می‌فهمم که مهمان خانواده آن‌ها می‌شوم در حالی که یک روز سخت کار در کوره را از سر گذرانده‌اند. ستایش لیوان آب خنکی به دست پدر می‌دهد، فضل احمد عرق پیشانی اش را با عرق چین چروکیده توی جیبش پاک می‌کند، یکی از دو تارهای آویزان به دیوار را برمی‌دارد و با سرانگشتان زخمی اش زخمه بر تارهای آن می‌زند. کمی که می‌گذرد یاسین ۱۷ ساله، پسر نوجوانش هم دوتاری برمی‌دارد و کنار پدر شروع می‌کند به نواختن. نوای جادویی دوتار کم‌کم خانواده‌های دیگر را به اتاقک کوچک آن‌ها می‌کشاند. خانواده‌هایی که همگی هفت ماه اول سال را به اینجا کوچ می‌کنند؛ اینجا یعنی کنار کوره‌های آجرپزی بعد از شهرک شهید باهنر. آن‌ها در اتاقک‌های کوچکی که صاحب کوره ساخته زندگی می‌کنند و صبح تا شب زن و مرد و پیر و جوان آجر می‌سازند. کار سختی که حالا تأثیرش را روی تک‌تک این چهره‌ها و بدن‌ها گذاشته است. به چهره استخوانی و آفتاب سوخته فضل احمد نگاه می‌کنم. هنوز ۵۰ سال را رد نکرده اما خط و خش روزگار زودتر از موعد روی پوست صورتش نشسته است. او یکی از ده‌ها دوتار نواز ساکن محله شهید بسکابادی در شهرک شهید باهنر است که کوله باری از هنر را سال‌ها روی شانه‌هایش به دوش می‌کشد. هنرمندی که همراه با گروه هنری «ساریکا» اجراهای زیادی را به روی صحنه برده است. از اجراء در برج میلاد تهران بگیرد تا شهر بمبئی هندوستان. اما حالا مجبور است برای درآمدن خرج زندگی صبح و شب در کوره آجرپزی کار کند. فضل احمد را سعید احمد سرکوهی، سرپرست گروه «ساریکا» به ما معرفی می‌کند. فضل احمد دوتار نواز اصلی گروه است که سال‌هاست به همراه خانواده در کوره آجرپزی کار می‌کند. با او به کنار کوره‌های آجرپزی رفته ایم و فضل احمد رستمی را یافته ایم.

خشت‌مال
دوتار نواز
نوازی را آموزش
ندیده، به قول
خودش با دوتار
زاده شده
است

#دوتار #خشت‌مال #محله شهید بسکابادی



برای تماشای هنر دوتار نوازی
هنرمند خشت‌مال این‌کند را
اسکن کنید.

دوتار نوازی در مهد موسیقی مقامی

بهترین خاطرات یاسین را اجراهای زنده‌ای که با گروه ساریکا داشته است تشکیل می‌دهند. او هم همراه گروه در هر شهر و سالنی که فکرش را بکنید اجرا داشته اما بهترینش را اجراء در جشنواره امام رضا (ع) در تربت جام می‌داند و تعریف می‌کند: در شهرهای مختلفی اجرا داشته‌ام اما نواختن در تربت جام، مهد موسیقی خراسانی آن هم مقابل پیش کسوتان این عرصه برآیم سخت و استرس‌زا بود. با این حال به خوبی توانستم از پس آن بر بیایم و این دوتار نوازی به یکی از شیرین‌ترین خاطرات زندگی‌ام تبدیل شد.

باز هم دلپره ای درد لسان می افتد. سرکوهی اما به چشم های نگران فضل احمد نگاه می کند و می گوید خاطرش جمع باشد و آن اجرا به یکی از بهترین هم نوازی ها و هم خوانی های گروهی آن ها تبدیل می شود.

● هندوستانی ها از ریتم موسیقی ما خوششان آمده بود

سردشت، تهران، اصفهان، اهواز و... آن ها تا به حال در هر شهر و سالن و کوی و برزنی که فکرش را بکنید اجرا داشته اند و بارها به عنوان گروه منتخب در جشنواره های مختلف انتخاب شده اند اما مهم ترین خاطرات فضل احمد از این گروه برمی گردد به سال ۹۸ و اجراء در ۳ شهر هندوستان. سرکوهی تعریف می کند: به عنوان نماینده شهرستان به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تهران معرفی شدیم. برای نمونه چند قطعه اجرا کردیم و در نهایت به عنوان گروه منتخب موسیقی مقامی برای سفر به هندوستان و اجرا مقابل هندوستانی ها و ایرانی های مقیم هندوستان انتخاب شدیم. یک هفته در این کشور ماندیم و در ۳ شهر بمبئی، پومو و بنگلور موسیقی های مقامی خراسانی مثل الله مدد، الله باران و... را به روی صحنه بردیم. هندوستانی ها بسیار از ریتم موسیقی ما خوششان آمده بود. زبان تکلممان یکی نبود اما زبان موسیقی ما مشترکاتی داشت و هم را می فهمیدیم. علاوه بر آن ایرانی های مقیم هم بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بودند. با نواختن ما همراهی می کردند، غم موسیقی ما غم غربت را یادشان می انداخت و یک جاهایی اشک می ریختند.

● جرعه ای زندگی میان خستگی

پس از تمام این تجربه ها از اجراء در هندوستان و برج میلاد و تک شهرها فضل احمد رستمی رسیده است به همین چهار دیواری کوچک. روزها با خانواده در کوره ها خست می زند و شب ها هر ۶ نفر خسته و کوفته در همین اتاقک سر بر بالین می گذارند. ۶، ۷ ماه اول سال اینجا آجر می پزند و بعد به خانه خودشان در محله شهید بسکابادی می روند. از چم و خم کار خست مالی که می پرسم فضل احمد می گوید کار خیلی سختی است و کار هر کسی نیست! پیشنهاد می کند خودم سر کوره ها بروم و همه چیز را از نزدیک ببینم. پشت خانه هازمین گودی می شود و توی گودی، آجرها ردیف به ردیف روی هم چیده شده اند. آجرهایی که خانواده ها با کمک هم ساخته اند. فضل احمد و یاسین پسرش کنار تپه های رس بیل می زند و گل را در می آورند. بعد همسرا او به همراه ستایش و کوثر و صالحه دختران کم سن و سالش گل ها را توی قالب می ریزند و جدای می کنند. این قالب ها را توی کوره های غارمانند که کمی دورتر هستند می چینند. اطراف کوره ها آتش درست می کنند تا این آجرها کمی سفت شوند. صاحب کوره اما آجرها را توی زمستان می پزند. کارگرهای خواهند که فضل احمد کمی برایشان تار بنوازند. او اما می گوید که سرانگشتانش بر اثر کار زخمی شده و سیم لای زخم هایش گیر می کند اما انگار که خودش هم طاقت دوری از تار ش رانداشته باشد سریع حرفش را می خورد و تار ش را به دست می گیرد و شروع می کند به نواختن. کارگران در سکوت به نوازی دوتار گوش می سپارند تا جرعه ای زندگی بنوشند میان این همه خستگی و فرسودگی.



● ترانه غدیر

کارهای گروه ساریکا بیشتر مناسبتی است و موقع اعیاد و مناسبت ها سرشان شلوغ تر می شود. سعید احمد سرکوهی توضیح می دهد که سال های پیش این موقع عید غدیر و قربان حتما ۳، ۴ اجرای زنده در شهرها و سالن های مختلف به روی صحنه می بردند اما امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا برنامه ای ندارند. یکی از معروف ترین ترانه های آن ها هم ترانه غدیر است. از سعید احمد سرکوهی می خواهم قطعه ای را برایشان اجرا کند. فضل احمد رستمی می نوازد و او می خواند: تا در عید غدیر پاک شاخه زند جوانه، مرغ دلت آنجا گرفت آشیانه.

هنرمندان هنر یکدیگر را خوب می شناسیم. دوتار نواز کافی است یک پنجه به تار بزند تا هم ردیفانش بفهمند کجای کار است و عیار هنرش را بسنجند. من هم همان اول فهمیدم که فضل احمد چیزی نوی وجودش دارد. من خودم زادگاهم تربت جام است و روحم با موسیقی مقامی تربت جام آمیخته است. همین موضوع باعث شد که همان ابتدا پیوندی محکم را با او احساس کنم. همان اولین اجرا کافی بود که از او بخوام در یک گروه با هم کار کنیم. پیش از آن هم در فکر تشکیل گروه ساریکا (نام قدیمی سرخس) بودم و اولین هنرمندی که به او پیشنهاد همکاری دادم فضل احمد بود. بعد از آن هنرمندان مطرح دیگری هم با ما همکاری کردند. افرادی مثل محسن عسگریان پسر ذوالفقار عسگریان، جوان شیر برادران سلیمانی و... خیلی ها هم آمدند و اوج گرفتند و بعد هم از گروه رفتند اما من و فضل احمد افراد ثابت گروه بودیم.

● اولین اجرای زنده

اولین اجرای آن ها برمی گردد به سال ۸۳. اجرایی به مناسبت عید فطر که از شبکه استانی خراسان رضوی هم پخش می شود. آن اجرا اولین اجرای جدی فضل احمد رستمی بوده که بدون کوچک ترین استرسی می نوازد. به قول خودش از کودکی دستش به تار گرم بوده و ترسی از نواختن نداشته است. همان اجرای اول کار خودش را می کند. پیشنهاد برای گروه آن ها روز به روز بیشتر می شود و گروه آن ها به سرعت اوج می گیرد. وقت هایی بوده که آن ها ۳ شب در هفته روی صحنه اجرا داشتند. همه این ها باعث می شود که پس از مدتی کوتاه گروه ساریکا تبدیل به گروه مطرح موسیقی مقامی خراسانی در مشهد و کشور شود.

● بهترین هم نوازی در برج میلاد

فضل احمد یکی از مهم ترین اجراهایشان را اجراء در برج میلاد در سال ۹۳ می داند که یکی از پر استرس ترین اجراهای زنده گروهشان هم بوده است. تعریف می کند که آن سال برای اهالی موسیقی خراسانی در تهران جشنواره ای برگزار می شود که از گروه ساریکا هم دعوت می شود. آن ها حسابی تمرین کرده بودند اما تا پرده های سالن کنار می رود و انبوه جمعیت و چشم های پراز شور و شوق حاضران را می بینند با آن همه تجربه



● یاسین به دلیل کار کوره از جشنواره بازمانده

همان طور که فضل احمد رستمی کنار پدرش دوتار نوازی را یاد می گیرد یاسین ۱۷ ساله هم حالا چشم بسته دوتار می نوازد. پدرش می گوید از او هم بهتر می نوازد و تخصصش هم چهاربیتی است. یاسین حالا چندین سال است که کنار پدر و سعید احمد سرکوهی عضو ثابت گروه ساریکا است. وقتی ۱۳ سال بیشتر نداشته همراه گروهی در جشنواره رضوی شرکت می کند. کم سن و سال ترین شرکت کننده بوده و به عنوان پدیده مسابقات انتخاب می شود. همان سال ۱۳۹۶ یاسین در جشنواره موسیقی جوان که از رده سنی ۱۰ سال تا ۲۹ سال شرکت کننده داشته هم شرکت می کند. در خراسان رضوی در بخش تک نوازی موفق به کسب مقام اول می شود اما به اجرای نهایی که قرار بوده در تالار وحدت تهران برگزار شود نمی رسد. یکی از آرزوهای زندگی یاسین اجراء در تالار وحدت بوده و حالا این موضوع یکی از حسرت های زندگی او است. دلیل شرکت نکردنش را که می پرسم، می گوید باید کنار پدر و مادرش در کوره آجر پزی کار می کرده و تعداد آجرهایی که زده بودند کم بوده و نمی توانسته آن ها را تنها بگذارد.

● خط و خش روی چهره ها

شهرک رضویه را در می کنیم و چند دقیقه ای در جاده حرکت می کنیم. به مقصد که نزدیک می شویم سعید احمد سرکوهی خود روش را کج می کند توی جاده خاکی. می رسیم به اتاقک های آجری کوچک که ردیف به ردیف کنار هم ساخته شده اند. پشت این خانه ها هم کوره های آجر پزی قرار دارند. از خود رو که پیاده می شوم یاد گرمی به صورت می خورد و گرد و غبار روی شیشه عینکم می نشیند. این خاک همان خاک نرم رس است که با آن آجر می سازند. به چهره گندمی پر خط و خش ساکنان این خانه ها نگاه می کنم. افرادی که سال هادر مجاورت این گرد و خاک بوده اند. فضل احمد رستمی لیخنده لب به استقبالمان می آید و ما را به اتاقکشان دعوت می کند. ترک ها سراسر چهار دیواری کوچک را پر کرده اند. گرمافضا را خفه تر از چیزی که هست نشان می دهد و پنکه کوچک فکستنی گوشه اتاق هم نمی تواند حریر هوای دم کرده ظهر تیرماه شود.

● گنج در بیابان

برایش عجیب است که این همه راه تا اینجا آمده ایم تا زندگی اش بنویسیم. وقتی می خواهیم عکس بگیریم تعجبش بیشتر هم می شود. چشم هایش لابه لای استخوان های بیرون زده صورتش گرد تر از حد معمول می شود و با همان لهجه تربت جامی می گوید: «با این دست ها، با لباس کار، توی این خاک و خُل، هیچ چیز من به این دوتار نمی خورد!» سعید احمد سرکوهی پشت بندش می گوید: «گنج همیشه توی بیابان پیدا می شود. جایی که کسی فکرش را هم نمی کند.»

● با دوتار زاده شدم

پیش از آنکه شروع کند به نواختن از زندگی اش می گوید. کم سخن است و برای پاسخ به هر سؤال هم به گفتن یکی ۲ کلمه بسنده می کند. گذشته ها برای او پشت گرد و غبار این سال ها گم شده اند و به سختی خاطرات را به یاد می آورد. متولد روستای صالح آباد تربت جام است. جایی که دوتار روی زمین نمی ماند و جایش روی دست آدم هاست. او هم مثل بسیاری از هم ولایتی هایش دوتار نوازی را آموزش ندیده، به قول خودش با دوتار زاده شده است. فضل احمد رستمی از زمانی که به یاد می آورد نواختن را بلد بوده است. پدرش غلام احمد رستمی دوتار نواز قهار بوده که صدای خوشی هم داشته است. روزها سر زمین کشاورزی می زده زیر آواز و موسیقی های سنتی خودشان را می خوانده و شب ها هم برای در کردن خستگی پنجه به تار می زده است. او در چنین محیطی می بالد. خودش می گوید: ۷ خاوه و برادر بودیم که هر کدام پنجه ای بر تار می زدیم. اما بیشتر از همه من شیفته دوتار بودم.

آن زمان هادر هر خانه ای در تربت جام یک دوتار پیدا می شده و آواز و موسیقی رسم رایج مهمانی ها و مراسم آن ها بوده است. موسیقی در همان شب نشینی های پر آواز در درگ و پی وجود فضل احمد خانه می کند. او از آواز «سرتراشک» می گوید. آوازی سنتی که اهالی به هنگام تراشیدن سر و روی تازه دامادها پیش از مراسم عروسی می خواندند و می گفتند: سرتراشک مبارک باشد!

خانم های تربت جامی هم بیشتر در دایره زنی مهارت داشتند و در مراسم خانبدان دایره می زدند و آوازهای مخصوص مراسم خانبدان را می خواندند.

● پاتوق هنرمندان موسیقی مقامی

مشهد در خاطرات کودکی فضل احمد شهری افسانه ای بوده. پراز دوتار نوازان ماهر و چیره دست و چهره های آشنای این عرصه. تعریف می کند گاهی که پدر برای خرید تعمیر دوتار به شهر می آمده و راهم همراه خودش می برده است. آن ها به کارگاه استاد جهانگیر بشتاب، دوتار نواز و دوتار ساز ماهر قلعه ساختمان می رفتند. پدر در کارگاه گرم گفت و گویا استاد جهانگیری می شده و گاهی زیر آواز هم می زده. گه گذاری ذوالفقار عسگریان، نوازنده و خواننده موسیقی نواحی خراسان هم می آمده و... خلاصه آنجا به نوعی به پاتوق نوازندگان و خوانندگان موسیقی های مقامی تبدیل شده بوده است. بعد از مدتی خانواده آن ها به محله شهید بسکابادی در شهرک شهید باهنر مهاجرت می کنند و در همین منطقه ساکن می شوند. از آن پس فضل احمد این حوزه را جدی تر و تخصصی تر از قبل دنبال می کند. دستگاه ضبطی می خورد و در خانه هم نوازی خودش و پدرش را ضبط می کند. او حالا آن کاست های قدیمی را بهترین یادگاری از پدرش می داند.

● داستان گروه ساریکا

داستان آشنایی سعید احمد سرکوهی و فضل احمد برمی گردد به همان کارگاه کوچک استاد جهانگیر. یک روز که سرکوهی برای تعمیر دوتارش به آنجا سر می زند فضل احمد را در حال نواختن دوتار می بیند. آن قدر تحت تأثیر تار زدن او قرار می گیرد که ناگاه می زند زیر آواز و یک چهاربیتی می خواند. دلیل تحت تأثیر قرار گرفتنش را می پرسم و پاسخ می دهد: ما



صاحب قدیمی ترین قصابی محله مهر آباد می گوید دست پر رفتن مشتری از زرق و برق مغازه مهم تر است

جنس قصابی باید جور باشد

است، انواع سوسیس، کالباس و... قدیم قصابی فقط گوشت بود و آن هم فقط گوشت قرمز. قصابی گوشت گوسفند و گاو هم از هم جدا بود.

● پاچال داری مهم ترین بخش کار قصابی است

در باره ساعت کار و ریزه کاری های شغلش می گوید: «از ساعت ۵ صبح می روی بازار دام، خرید دام خودش حکایتی است. تجربه یعنی مال (گوسفند) را بشناسی. نرینه جوان، چاق، کم دنبه و کم چربی را انتخاب کنی و بعد تحویل کشتارگاه بدهی. این طوری گوشت مرغوب و قیمت به صرفه دستت می رسد. کشتارگاه گوشت را یک روز ننگه می دارد و روز بعد تحویل قصابی ها می دهد. برای همین من یک روز در میان دام می خرم و تحویل کشتارگاه می دهم. مغازه یک سره باز است تا ۱۰ شب. جواد اقامی گوید که برای یادگیری این شغل باید ۵ سال شاگردی کرد. می گوید: «شاگرد در این ۵ سال گوشت صاف کردن و دیگر ریزه کاری ها را یاد می گیرد اما مهم ترین چیز پاچال داری است که طرف شاید در ۲۰ سال هم یاد نگیرد. پاچال داری بر خورد صحیح، مؤدبانه و صبورانه با مشتری است. مشتری همیشه باید راضی باشد.»

● مشتری باید ببیند چه گوشتی می خرد

از نظر جواد اقا قصابی بالا شهر- پایین شهر ندارد و اگر کاسب بخواهد گوشت خوب بدهد فرقی نمی کند مغازه اش کجا باشد. فقط به نظر او قیمت همین گوشت در مناطق مرفه نشین کمی بیشتر است. او این محله را دوست دارد و درآمد بیشتر در مناطق دیگر رانمی خواهد. او می گوید: «در این زمان با توجه به کشتارگاه صنعتی و ابزار داخل مغازه مثل تیغ اره ها

سید محمد عطائی | خودش جوان و متولد ۱۳۵۶ است اما قصابی در خانواده او نسل قدمت دارد و این شغل را از کودکی آموخته است. پدرش حاج محمود از کیا عضو اتحادیه گوشت است و آن قدر دست اول محسوب می شود که شماره عضویتش ۲ است. قصابی آن هادر این محله ۵۰ سال قدمت دارد. جواد از کیا این شغل را دوست دارد و با خوشی و سختی اش می سازد. روی دستش جای بریدگی کم نیست اما با هم چاقو و مصقل از دستش نمی افتد و روزمز موفقیتش را صداقت و بر خورد خوب با مشتری می داند.

● چاقو، مصقل و اخلاق خوب قصاب

«کار قصابی جالب است و دوستش دارم» این اولین جمله اوست. کاری سخت و پر خطر که از صبح تا شب با چاقو، ساتور و اره برقی سروکار دارد اما جواد اقا می گوید: «چیزی که قصاب ها را در این شغل نگه داشته علاقه به کارشان است و گرنه نه شغل راحتی است و نه درآمد آن چنانی دارد. اگر با مردم خوب برخورد کنی و جنس خوب دستشان بدهی بعد از مدتی سر زبان ها می آفتی پروتئینی جای خود. اما قصابی کسی نیست که مشتری ندیده و نشناخته بیاید و خرید کند. باید به فروشنده و جنسش اطمینان داشته باشد. قصاب باید وجدانی کار کند و مثلاً جنس درجه ۳ را به جای درجه یک دست مردم ندهد.» می پرسد که این شغل سرمایه زیادی نمی خواهد و در اصل فقط یک یخچال و چاقو و مصقل (سوهان تیز کننده چاقو) لازم است. مغازه قدیم ۱۲ متر بود اما الان مثل قدیم نیست و متراژ مغازه باید بیشتر از ۴۰ متر باشد. در مغازه بزرگ هم باید جنس جور باشد و الان پروتئینی هم کنار گوشت



می خرد. تأکید دیگر جواد اقا روی بهداشت مغازه است. او می گوید: «قصابی همیشه باید تمیز باشد و گوشتی که می خواهی به دست مردم بدهی باید همان باشد که برای خانه خودت می بری.» می پرسد که این شغل بازار یابی هم دارد؟ می گوید: «در این شغل اگر سراغ بازار یابی برای کبابی ها و رستوران ها بروی فروش کلی و جزئی مغازه بیشتر می شود ولی جدا از این بازاری نیست.» در آخر صحبت از قدرت خرید مردم می شود. جواد اقامی گوید: «در چند سال اخیر قدرت خرید مردم برای گوشت قرمز خیلی کم شده است و قبلاً بیشتر می خریدند. الان به ناچار گوشت مرغ می خردند که آن هم کیفیت ندارد.»

کار راحت تر شده اما قدیم سود کار بیشتر بود. در باره اهمیت ظاهر شیک مغازه می پرسد: «سابقه کار قصابی و پروتئینی مهم تر از ظاهر پر زرق و برق مغازه است. مغازه باید همیشه باز و جنس مغازه همیشه باید جور باشد. چون اگر مشتری ۲ دفعه بیاید بگویی فلان گوشت یا جنس را ندارم دیگر نمی آید.» در باره خلأ قیت در کار هم جواد اقا معتقد است که این کار بیشتر از خلأ قیت نیاز به نظم و عمل به سنت دارد. به نظر او خلأ قیت این کار در ترکیب و تهیه ماه کباب است که اگر مشتری بخواهد برایش انجام می دهند. او در باره فروش غیر حضوری گوشت نظر مثبتی ندارد. تأکید می کند مشتری را باید از نزدیک ببیند که چه

گوشت شتر عالی اما گران است

جواد اقا نقرس دارد و به ندرت گوشت قرمز مصرف می کند اما از گوشت مرغ هم بیزار است و معتقد است؛ گوشت مرغی که الان در مغازه ها هست با هورمون عمل آمده و خاصیتی ندارد. او می گوید: «گوشت شتر مرغ عالی است چون خواص گوشت قرمز را دارد اما گوشت سفید است و ضررهای گوشت قرمز را هم ندارد. گوشت شتر هم که بسیار عالی است و طبع گرم و آهن فراوان دارد، پیامبر اکرم (ص) هم مصرف آن را توصیه کرده اند اما گران است و خیلی ها از عهده خریدش بر نمی آیند.» از او می پرسد، این درست است که قصاب ها گوشت ران نمی خورند و بیشتر گوشت سردست گوسفند را استفاده می کنند؟ می گوید: «بله درست است. پیامبر اکرم (ص) سفارش کرده که گوشت نزدیک آب خوردن گوسفند را بخوری یعنی گوشت گردن و سر و دست. قصاب ها گوشت ران رانمی خورند چون از راه گلو و آب خور حیوان دور است.»

تازه نگه داشتن گوشت مهم است

در باره اهمیت تحصیلات فروشنده می پرسد، جواد اقا تحصیلات داشتن فروشنده گوشت را از ۲ نظر مهم می داند، اول حساب و کتاب دقیق تر و دوم بر خورد محترمانه و خوب تر با مشتری. از نظر او در یک قصابی حداقل باید ۳ نفر پاچفت کار کنند تا کار پیش برود. فوت کوزه گری این شغل هم از نظر او تازه نگه داشتن گوشت است. مغازه جواد اقا تنها یک روز در سال تعطیل است و آن هم روز عاشورا است. تازه آن هم برای اینکه دیگ نذری شله دارند. در باره فصل فروش بیشتر و کمتر می پرسد، می گوید: «فروش تابستان بهتر است و بقیه سال معمولی. تنها اردیبهشت کمی بازار ضعیف است که از قدیم به آن کاهو بازار می گفتند و شامل همه شغل ها می شود.» در باره بازار گوشت هم می گوید: «بازار گوشتی که قصاب ها می روند برای گوشت گاو و گوساله مسیر روستای کنه بیست و برای گوشت گوسفند محدوده تپه سلام است.»

قصابی همیشه باید تمیز باشد و گوشتی که می خواهی به دست مردم بدهی باید همان باشد که برای خانه خودت می بری



نوجوان تکواندوکار محله شهید آوینی
از وضعیت ورزشی دختران گلشهری می گوید

کمبود امکانات سد راه استعدادها



امید
مجله

عطایی ۴۱ مدال رنگارنگ در رده های مختلف استانی دارد. به اعتقاد خودش، مهم ترین مدالش را سال ۹۸ در رشته تکواندو در سبک کیوروگی کسب کرده است. در آن مسابقات که به مناسبت هفته وحدت و زادروز فرخنده حضرت محمد (ص) برگزار شده، در رده سنی نونهالان مقام اول استان را به دست آورده است. فاطمه زهرانجفی، دانش آموز سال نهم مدرسه نیمارمضانی است که همه تلاش خود را می کند تا مقام های کشوری و بین المللی این رشته را نیز به دست آورد. تنها خواسته او حمایت بیشتر مسئولان از ورزش بانوان در حاشیه شهر است.

● کلاس تکواندو هدیه ۱۰ سالگی بود

منزل فاطمه زهرای ۱۵ ساله در محله شهید آوینی است. صحبت ما با او از علاقه اش به ورزش در دوران کودکی شروع می شود و بعد هم خاطره ای را به یاد می آورد. هفت ساله بوده که در مسابقه ۲ برادرش را شکست می دهد. پدر فاطمه همانجا متوجه استعداد او و علاقه او به ورزش می شود و از همسرش می خواهد تا فاطمه را در کلاس های ورزشی ثبت نام کند اما مادر به علت ضعف جسمانی فاطمه تا ۱۰ سالگی او صبر می کند. مادر فاطمه، مرضیه باخدا در این باره می گوید: «فاطمه از همان کودکی به ورزش علاقه داشت اما چون لاغر و ضعیف بود نگران بودم در کلاس صدمه ببیند برای همین به او قول دادم ۱۰ ساله که شدا وراثت نام کنم. در ۱۰ سالگی اش کل محدوده گلشهر را گشتم اما کلاس مناسبی پیدا نکردم. قصد برگشت به خانه را داشتیم که نزدیک بیمارستان امام سجاد (ع) پوستر کلاس های ورزشی دختران را روی دیوار دیدم. پایگاه بسیج محله برای دختران کلاس والیبال و تکواندو برگزار می کرد. همان روز فاطمه به کلاس والیبال رفت و روز بعد کلاس تکواندو را امتحان کرد و از من خواست تا در کلاس تکواندو ثبت نامش کنم.»

فاطمه به مبارزه و رقابت علاقه زیادی دارد و می گوید: «رشته های رزمی را انتخاب کردم چون پدرم کاراته کار می کرد و دوست داشتم مثل او مبارزه کنم. امیدوارم در آینده ای نزدیک بر سکوی قهرمانی کشور و جهان بایستم.» او ۵ سال است تکواندو کار می کند تا کنون به مسابقات استانی هم راه پیدا کرده است. تازه کمر بند مشکی خود را گرفته است و به زودی می تواند در مسابقات کشوری شرکت کند و مدال های بیشتری به دست آورد. فاطمه سال ۹۶ در مسابقات آزاد سبک کیوروگی و در رده سنی خردسالان و در وزن نهم مقام اول استان را کسب می کند. مسابقات راهبیت تکواندو خراسان رضوی در سالن شهدای مدافع حرم در انتهای شهید آوینی برگزار می کند. این نوجوان ورزشکار در باره سبک کیوروگی می گوید: «تکواندو ۳ سبک دارد و این تنها سبکی است که در آن هنر جو مبارزه می کند و من به دلیل علاقه ام به مبارزه این سبک را انتخاب کردم.» سال ۹۷ در مسابقات جشنواره پایانی لیگ های کیوروگی و بومسه شرکت می کند. این مسابقات نیز توسط هیئت تکواندو استان خراسان رضوی برگزار می شود و فاطمه در رده سنی نونهالان با کمر بند سبز در وزن چهارم مقام دوم را به دست می آورد. او همچنین در سال ۹۷ در مسابقات قهرمانی کیوروگی نونهالان به مناسبت هفته ورزش و تربیت بدنی در سالن شهدای مدافع حرم در وزن چهارم مقام اول را کسب می کند. سال ۹۸ آخرین مدال فاطمه در رده سنی نونهالان است و او در مسابقاتی که به مناسبت هفته وحدت برگزار می شود مقام اول را کسب می کند. او کمر بند مشکی خود را همان سال دریافت می کند. او می گوید: «حاشیه شهر دختران با استعداد کم ندارد. اما وضعیت اقتصادی خانواده ها و کمبود امکانات مثل سالن ورزشی مناسب باعث شده آن ها استعداد خود را نادیده بگیرند و دست از تلاش برای رسیدن به هدف و آرزوی خود بکشند.»

کرونا
زندگی

صف نوبت دهی در مراکز
بهداشتی درمانی خیابان حر شلوغ
و بدون رعایت پروتکل هاست

جولان کرونا در درمانگاهها!



منطقه



نیکو عقیده | کرونا

همچنان در حال
قربانی گرفتن است اما
انگار همه چیز بیفراموشی سپرده
شده و به روال سابق برگشته است.
بازارها شلوغ پلوغ تر از همیشه هستند،
رستوران ها مشتری های خودشان را دارند
و... در مانگاه ها هم از آن دسته فضاهایی هستند
که کم و بیش ازدحام جمعیت در آن ها دیده می شود.
این شلوغی در مانگاه های منطقه ۶ در خیابان حر کاملاً به
چشم می آید چرا که به قول یکی از مراجع کنندگان مردم اینجا
به جای اینکه هزینه ویزیت در مطب را بپردازند ترجیح می دهند به
درمانگاه ها مراجعه کنند و هزینه کمتری پرداخت کنند.

● ازدحام برای اخذ نوبت

اولین درمانگاهی که به آن پامی گذارم در مانگاهی معروف است در ابتدای خیابان مهریز. همان ابتدای ورود دستگاه مایع ضد عفونی گذاشته شده است اما کمتر کسی از آن استفاده می کند. تمام صندلی ها پر شده است و عده ای هم سر پای استاده اند.
هستند معدود افرادی که حتی ماسک هم به صورت ندارند اما ازدحام اصلی پشت میز نوبت دهی شکل گرفته است. افراد چفت در چفت کنار هم ایستاده اند تا زودتر نوبت بگیرند. در حال تماشای جمعیت هستم صدای نج چغانمی را در کنار می شنوم. رویه من می کند و می گوید انگار نه انگار که کرونا بی در کار است! خانمی آن طرف تر که ۲ لایه ماسک به صورت دارد و مدام الکل ضد عفونی اش را از کیفش بیرون می آورد دست هایش را ضد عفونی می کند. رویه او می کند و می گوید: تقصیر مردم که نیست! من خود می خواستم برای پزشک عمومی تلفنی نوبت بگیرم که مجبور نشوم برای نوبت گرفتن هم بیایم اما هر چقدر تماس گرفتم کسی پاسخ نداد! کاش سیستم درست و حسابی برای نوبت دهی داشتند تا ازدحام نشود.

● خطر ابتلا به کرونا را به جان خریدیم

کمی در سالن انتظار می مانم. بیمارها منتظر می مانند و یکی یکی به اتاق پزشک مربوطه می روند. احمد که ۲۰ دقیقه ای از حضورش می گذرد. کلافه است و مدام طول و عرض درمانگاه را دور می زند. با او که گفت و گومی کنم بر که نوبتش را نشانم می دهد. بیمار نوبت پانزدهم است. با گله و ناراحتی می گوید چرا سیستم نوبت دهی نباید به گونه ای باشد که تا حد امکان تجمع در درمانگاه کمتر باشد؟

مراجعه کننده دیگری می گوید: اگر هزینه اش را داشتیم به یک مطب خصوصی می رفتم اما ساکنان این منطقه مجبورند به درمانگاه بروند و خطر ابتلا به کرونا را هم به جان بخرند!

● کم توجه به اوج پنجم

از همان جا راهی یکی دیگر از درمانگاه های خیابان حر می شوم. وضعیت آنجا هم بهتر از درمانگاه اول نیست. حتی برخی ماسک هم ندارند و از ورودشان به مرکز درمانی جلوگیری نشده است. خانمی جوان که بیرون درمانگاه ایستاده و خودش ۲ ماسک زده و صورت دختر کوچک بغلی اش را هم با گوشه چادرش پوشانده است می گوید: برخی مردم بی خیال اوج پنجم و ویروس دلتا شده اند. یک سری به همین بازارهای خیابان حر برزید متوجه می شوید. درمانگاه ها هم که این قدر غلغله است چون ارزان تر از مطب هاست. در این طور مواقع باید شرایط بهتری در درمانگاه ها فراهم شود. ساعات کارشان را بیشتر کنند و سیستم نوبت دهی دقیق داشته باشند. اگر آن بیمارستان اول شهر که شهید رجایی که چند سال پیش کلنگش را زدند تا الان ساخته می شد، الان این همه جمعیت در درمانگاه های حاشیه شهر نبود.



منطقه



محلات منطقه ما:

۵: مهدی آباد، رضائیه، سجادیه، حسین آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین (ع)، نیرزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان و جلالیه

۶: چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقا مصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بست و شهید رجایی

دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۵ و ۶: انسیه شهرکی
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۵: ۳۳۶۶۱۹۴۹
تلفن شهرآرامحله منطقه ۶: ۳۳۶۶۰۲۰۴

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۵: بولوار ولایت - ولایت ۱۳
دفتر منطقه ۶: تقاطع خیابان شهید رستمی - شهید شیرودی - فرهنگسرای غدیر
پست الکترونیک: shahrara.ir@mahalle5
shahrara.ir@mahalle6
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

کوچه شهید علیمردانی ۳۵

منطقه ۵ - محله کوی سلمان

کوچه ای با ۱۰ شهید

پیش از انقلاب اسلامی این کوچه در روستای حسین آباد کرمانی ها قرار داشته و به زمین های موقوفی میرزای ناظر ختم می شده است. در حال حاضر اینجا بین خیابان شهید علیمردانی و خیابان میرزا کوچک خان ۸ قرار دارد. حدود ۵۰ سال پیش مرحوم حبیب شکری از بزرگان محله که پیگیر آمدن برق و آب به محله و این راسته کوچه بوده است نام اینجا را ده متری سلمان می گذارد.

عطائی | ده متری سلمان (شهید علیمردانی ۳۵) یکی از اصلی ترین و قدیمی ترین کوچه های محله کوی سلمان است. این محله نام خود را از این کوچه که در مرکز آن قرار دارد وام گرفته است. در گذشته های دور و سال های



قلم زنی محمد خشتابه در حاشیه این کوچه قرار دارد. او بیش از ۳ دهه است که در این مغازه کوچک روی چوب قلم زنی می کند.



لیلا امیری کمرستان، مادر شهید حسین تقی زاده از شهدای دفاع مقدس است. شهید تقی زاده یکی از ۱۰ شهید کوچه سلمان است.



غلامعلی رضانی نزدیک ۸۰ سال دارد. او و همسرش در مغازه پلاستیک فروشی شان از قبل انقلاب اسلامی تا به حال مشغول کار هستند.



مسجد و حسینیه امام زین العابدین (ع) پایگاه فعال اجتماعی و مذهبی محله است که در نیش سلمان ۱۵ واقع شده و در سال ۱۳۵۰ به همت ساکنان محل افتتاح شده است.